

**شروع ادبیات بانکداری اسلامی این است که چرا باید در فرآیند تولید، تمام خطر ها متوجه تولید کننده بشود؛ و چرا نباید سپرده گذار و بانک قسمتی از خطر را به عهده بگیرند؟ البته تمام مشکل در عملکرد بانک ها نیست، بلکه در مجموعه قوانین است**

#### ما در سیستم بانکداری انگلوساکسون ذوب شده ایم

از یک طرف سیستم بانکداری ما در سیستم بانکداری انگلوساکسون ذوب شده؛ یعنی نه در تخصیص و نه در تجهیز و جوه کاری یا مخاطره ندارد؛ سیستم بانکداری طوری پیش رفته است که بشدت مخاطره گریز است. و از طرف دیگر به دلیل قانونی که مورد تایید فقها هم هست، این رویه مطابق با فقه تلقی می شود. در نتیجه، انگیزه کافی برای تغییر این سیستم بانکداری ایجاد نمی شود. البته این بدان معنا نیست که قانونی که الان داریم یک قانون غیر فقهی است. به یک نکته مهم باید توجه شود و آن اینکه فقه در عرصه کلان، لزوماً یک حکم ندارد و ممکن است یک رفتار که در سطح خرد مطابق با شریعت تلقی می شود، همان رفتار از منظر کلان، دیگر مطابق با شریعت نباشد. شریعت یکسری مقاصد دارد و سیستم بانکداری کنونی، مقصد شریعت را تأمین نمی کند. اگر انتظار داشته باشیم که احکام شریعت عمل شود در حالیکه هیچ تأثیر ماهوی بر اقتصاد نداشته باشد، این در حقیقت به بازی گرفتن شریعت

است. اتفاقی که الان دارد می افتد این است. یک این همانی بین تجهیز و تخصیص و جوه بانرخ ثابت و بانکداری ربوی وجود دارد و این همان چیزی است که در سیستم بانکداری ما دارد اتفاق می افتد، منتهی در قالب عقود رفتار می شود. ولی بخاطر اینکه به بانکداری ظاهر اسلامی داده شود، وارد عقود مختلف می شویم.

به طور مثال در فروش اقساطی چقدر به مردم و دین جفا می شود. سیستم بانکی خود بهتر می داند که چقدر از این فروش اقساطی ها صوری است! و گیرنده تسهیلات بخاطر اینکه یک فاکتور برای بانک بیاورد، مثلاً ۳ درصد قرار داد را به یک بنگاه می دهد که به او یک فاکتور جعلی بدهد. و این در صد، بر روی هزینه تمام شده گیرنده تسهیلات می آید و این یعنی تحمیل هزینه مبادله ای مالی. همچنین هزینه مبادله ای معنوی و اخلاقی تحمیل می شود چرا که رفتار های غیر صادقانه صورت می گیرد. الان سیستمی ایجاد شده است که مروج بی صداقتی است. دلیل گرایش سیستم بانکداری ما به سمت سیستم بانکداری انگلوساکسون، آمار بانک مرکزی است چرا که در ترکیب تسهیلاتی که بانک ها داده اند، رتبه اول مربوط به فروش اقساطی است. یعنی ۵۰/۶ درصد عقود بانک های تجاری مبادله ای است و جالب تر اینکه ۶۹/۸ درصد عقود بانک های تخصصی، که توقع می رود بیشتر در فضای مشارکتی باشند، عقود مبادله ای است. و این یعنی گرایش به بانکداری انگلوساکسون.

#### ((سود علی الحساب تضمین شده))

#### راهی برای فرار از ریسک

اگر ما به تعداد تمام نیاز مشتریان ابزار های مناسب طراحی کنیم، از این جهت مطمئن می شویم که دیگر کسی به دروغ، ابزار ها را به جای یکدیگر استفاده نمی کند. عقدی مثل استصناع (استصناع عبارت است از توافق با صاحبان صنایع برای ساختن شیء معین برای شخص پیشنهاد دهنده) حداقل به سه دهه قبل برمی گردد و اگر واقعاً ابزار مناسبی است چرا

حالا و اینقدر دیر دارد وارد عملیات بانکی می شود؟ بالفرض که عقد کار آمدی باشد، به اندازه ای که تاخیر در ورود داشته ایم ضربه زده ایم. و یا نقضی که جدی است و سال ها مطرح است این است که سیستم بانکداری برای تأمین سرمایه در گردش بنگاه های اقتصادی چه برنامه ای دارد؟ یعنی بنگاهی که نمی خواهد دستگاه یا زمین بخرد، انبارش هم پر از جنس است و سه ماه دیگر تبدیل به پول می شود؛ ولی الان برای پرداخت حقوق کارکنانش دستش خالی است. دیدگاه غالب این است که عقود توقیفی نیست، یعنی عقد جدید نسبت به آنچه در ابتدای اسلام وجود داشته می توانیم تعریف کنیم. اما من به این نکته می خواهم اشاره کنم که اگر خیلی بیشتر هم عقد تعریف کنیم، اما روحی که ذکر شد به این مجموعه دمیده نشود، یعنی روح ریسک پذیری، مشکل اصلی حل نشده است. چرا که مشکل اصلی بانکداری فعلی، مباحث اخلاقی نیست؛ بلکه مباحث اخلاقی به صورت جانبی ایجاد و تحمیل شده است. مشکل اصلی بانکداری فعلی این است که این سیستم، سیستمی است که خودش را از معرض خطر و در نتیجه سپرده گذار را از معرض خطر کاملاً دور کرده است. شروع ادبیات بانکداری اسلامی این است که چرا باید در فرآیند تولید، تمام خطر ها متوجه تولید کننده بشود؛ و چرا نباید سپرده گذار و بانک قسمتی از خطر را به عهده بگیرند؟ البته تمام مشکل در عملکرد بانک ها و کارکنان بانک و ضعف در نظارت و یا نبودن صرفه اقتصادی برای نظارت منحصر نیست، بلکه مشکلات در مجموعه قوانین است. قانون بانکداری، فقط همان قانون عملیات بانکی بدون ربا که سال ۶۲ تصویب شد و بعداً چند اصلاحیه ضمیمه آن شد نیست، بلکه قانون یعنی آن مجموعه ای که دارد سیستم بانکداری را به لحاظ حقوقی پشتیبانی می کند. که شامل بخشنامه ها هم می شود که در حکم قانون است و مربوط به رفتار یک کارمند بانک نیست. در برخی بخشنامه های بانک مرکزی تصریح به تضمین می شود و حتی با این عبارت که "نرخ سود علی الحساب تضمین شده". این یعنی بانک حاضر نیست که به سپرده گذارش وعده ریسک بدهد.

#### کدام PLS

هنگامی که بانک ملی اعلام می کند که با چه PLS (بانکداری مشارکتی) تأسیس کرده، یعنی دارد اعتراف صریح می کند که در تمام این ۳۰ سال، بانک ملی و سایر بانک ها، PLS نداشته اند. PLS روح حاکم بر سیستم بانکداری اسلامی است. اما چیزی که این جا مطرح است این است که آیا PLS که دارد اجرایی می شود، منطبق با بانکداری اسلامی به معنای واقعی است یا نه. ظرف PLS می تواند در قالب هایی اجرایی شود که به بانکداری انگلوساکسون و یا یونیورسال گرایش پیدا کند. بانک ملی این زرتگی را به خرج داد که اصطلاح خوش نام PLS را به سمت خودش کشید. ولی این نگرانی

وجود دارد که ۲۰ سال دیگر ما مجبور باشیم طرح تحول در PLS داشته باشیم! یعنی به جایی برسیم که PLS را از محتوا خالی کرده باشیم.



**یک تلقی غلطی که از سرمایه گذاری وجود دارد این است که سرمایه یعنی پول. و شما اگر به کسی پول دادید او را تأمین مالی کرده اید. این یک تلقی نادرست است. چرا که پول سرمایه نیست، در واقع سرمایه مخاطره پذیر نیست**

ویژه نامه نوروزی  
روزنامه خراسان  
فروردین ۱۳۹۳

